

بسم الله الرحمن الرحيم

آثار اجتماعی جنگ اخیر

تقریر بیانات دکتر سیدحسین شرف الدین، درگفت و گو با واحد سمعی بصری دانشگاه مجازی وابسته به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، قم، ۲۸/۱۲/۱۴۰۴.

سوال: از دید شما، آثار و نتایج اجتماعی جنگ اخیر کدامند؟

قبل از پاسخ و پرداختن به آثار اجتماعی جنگ، لازم است به دو تلقی یا دو نوع روایت و خوانش از این جنگ یا دفاع که در محاورات عمومی و فضای رسانه ها جریان دارد؛ اشاره کنم:

یک تلقی یا خوانش متعارف، ناسوتی، حداقلی و سکولار است و آن توصیف این جنگ به عنوان یک رویارویی نظامی، ژئوپلتیکی، اقتصادی و سیاسی با هدف دستیابی به اهداف خاص است. مثلاً سرکوب یک نظام (جمهوری اسلامی) ناهمسو با نظم هژمون جهان معاصر، یا نظام تهدید کننده منافع و حضور منطقه ای امریکا یا نظام مدعی و مطالبه گر نابودی اسرائیل یا نظام تجهیز کننده جبهه مقاومت (و به تعبیر آنها حامی تروریسم و محور شرارت در منطقه) که برای زوال تدریجی اسرائیل در حال برنامه ریزی و اقدامات آشکار و پنهان است. (این خوانش بیشتر از سوی جبهه دشمن و رسانه های هم افق با آن دامن زده می شود؛

تلقی، خوانش یا روایت دیگر، توصیف آن به عنوان نوعی تقابل معنایی، تمدنی، گفتمانی و وجودی است؛ از نوع تقابل دین و سکولاریزم، ایمان و کفر، حق و باطل، عدل و ظلم و استضعاف و استکبار؛ و به یک معنا، استمرار تقابل دیرین استکبار جهانی با محوریت امریکا با موجودیت انقلاب اسلامی و جلوه ها و مظاهر متنوع آن در مقیاس ملی، منطقه ای و جهانی است.

خوانش دوم، خوانش ترجیحی و غالب در فضای گفتمانی جبهه خودی است که به دلیل پشتوانه های فرهنگی، شناختی و اعتقادی، زمینه های تاریخی اجتماعی و حال و هوای انقلابی (بویژه در

چنین موقعیت‌هایی)، سوق‌یابی بدان امری متعین و مرجح است. از نشانه‌های غلبه‌گفتمانی این خوانش بهره‌گیری شایع از ادبیات و مفاهیم الهیاتی، ایدئولوژیکی، قدسی و آخرالزمانی در توصیف و بیان وضعیت‌های آن در فضای رسانه‌ای و محاورات عمومی اقشار مومن، انقلابی و حامی حکومت اسلامی و نظام ولایی است (مفاهیمی مثل جهاد، حماسه، ایثار، شهادت، صبر و استقامت) به امید نیل به فتح و ظفر)، دلگرم بودن به حمایت جنود غیبی خداوند، بازخوانی پیام‌ها و شعارهای عاشورایی، امید انجام‌سنت نصر الهی، تضرعات و توسلات توده‌ای به حضرات معصومین (ع) و... (یا این ادعا که جنگ اخیر به احتمال زیاد طلوعه ظهور است و زمینه‌ساز تحقق برخی علائم آخرالزمان)؛

بدیهی است که ترجیح هر یک از این دو خوانش، مواجهه متفاوتی را با اصل این پدیده، ابعاد و آثار مختلف آن و نیز راه‌های محتمل برای خلاصی و برون‌رفت از آن بدست می‌دهد.

نکته قابل توجه دیگر، واکاوی زمینه‌ها و علل و دلایل وقوعی این جنگ یا اهداف و انگیزه‌های آشکار و پنهان دشمن است. از ظواهر امر چنین برمی‌آید که هدف اصلی دشمن، ایجاد زمینه برای سقوط یکباره نظام جمهوری اسلامی و تغییر آن بود: این هدف در مراحل اجرا با اقدام به شهادت رهبری به مثابه ستون خیمه نظام، آغاز و احتمالاً در ادامه بنا بود به صورت زنجیره‌ای به هم پیوسته از ترور اعضای رئیسه نظام و مسئولان عالی و اجرایی کشور مرحله به مرحله به انجام برسد؛ بالطبع نتیجه قهری این فرایند در صورت موفقیت بروز هرج و مرج داخلی، به صحنه کشاندن گروه‌های مخالف و فرصت طلب، و حصول زمینه برای تجزیه کشور به بخش‌ها و مناطق مختلف (فروپاشی نظام و تجزیه ایران)

و اگر این هدف کانونی، به هر دلیل محقق نشد، سناریوی بعدی احتمالاً ایجاد زمینه برای به قدرت رسیدن یک فرد یا یک جریان همسو در کشور بود، فرد یا جریانی که بتواند سطح تنش و تقابل با امریکا و اسرائیل را تخفیف دهد؛

خوشبختانه هیچیک از این رویاهای پریشان که همه حکایت از فقر شناختی و بینش سیاسی تاریخی استکبار جهانی و مشخصا امریکا از ملت و مردم ایران، انقلاب اسلامی و پایگاه مردمی آن، وساختار متقن و ریشه دار نظام جمهوری اسلامی دارد؛ تعبیر نشد. مسلم است که دشمن تا این لحظه برغم شهادت رهبری و برخی از مسئولان عالی نظام، به تحقق این اهداف، حتی نزدیک هم نشده تا چه رسد به تحقق کامل آن.

در مقام تحلیل ابعاد اجتماعی این جنگ باید گفت که

این جنگ متأسفانه در آغازین مرحله خود با شهادت رهبری توأم شد؛ علت تأکید بر شهادت ایشان آن است که تقریباً همه آنچه متعاقب این واقعه هولناک بوقوع پیوست، به نوعی از آن تأثیر پذیرفته و رنگ و بوی خون گرفته است.

آثار اجتماعی جنگ

برخی از آثار اجتماعی مشهود این جنگ و منازعه تمدنی بزعم من عبارتند از:

- ایجاد زمینه برای شکوفایی برخی ظرفیت های معنوی پنهان در گستره ملی و بازخوانی برخی تجارب قدسی ته نشین شده در حافظه تاریخی ملت (بویژه میراث معنوی دفاع مقدس)؛

- افزایش اتحاد، انسجام و همبستگی مردم، همراه با شور و نشاط انقلابی که جلوه بارز آن در تجمعات و راه پیمایی های شبانه مردم در خیابانها نمایان است (فرایندی خودجوش و بی سابقه که هم رنگ و بوی عزاداری و اقامه عزا دارد و هم به اعتبار نقشی که در دفع خطرات محتمل فرصت طلبان برای ادامه شورش ها و اغتشاشات خیابانی و تهدید کیان انقلاب دارد، وجه سیاسی یافته است. تأثیرات آموزشی و تربیتی این نوع تجمعات و راه پیمایی ها برای نسل های متاخر که با گذشته های حماسی این کشور و افتخارات پیشینیان آشنایی چندانی ندارد، بسیار برجسته و حائز توجه و تحلیل است)؛

- تعلیق موقت حساسیت های معطوف به مشکلات و مضیقه های معیشتی روزمره مردم (که همواره زمینه ساز انتقاد به نظام و مسئولان بود و دشمن نیز بدان به عنوان بهانه ای برای کشاندن مردم به صحنه های اعتراض دلخوش کرده بود)؛
- تحقق یکی از آرزوهای دیرینه انقلابیون (یعنی اشتیاق به رویارویی مستقیم با دشمنی که در طول سالهای بعد از انقلاب همواره من وراء حجاب انواع توطئه ها و دشمنی ها و اجرای پروژه های آسیبی و ویرانگر را علیه کشور، نظام اسلامی و انقلاب مدیریت کرده و به اجرا گذاشته است: از ظلم ها و خیانت های آن در طول دوران حاکمیت پهلوی دوم گرفته تا دوران بعد از انقلاب (و مشارکت در حوادثی مثل تبدیل سفارتخانه به لانه جاسوسی، طراحی کودتا، تقویت و تجهیز ضد انقلاب داخلی و گروههای تجزیه طلب، اقدام به ترور مسئولان در سالهای اولیه انقلاب، تحمیل جنگ ۸ ساله، اعمال تحریم های فلج کننده، تهاجم فرهنگی، تقویت همه جانبه اسرائیل و درگیرکردن آن با کشور، اسقاط هواپیمای مسافربری، مانع تراشی متنوع و متراکم در مسیر توسعه کشور، تحمیل انواع هزینه ها و فشارها و...؛
- تقویت و ارتقای روحیه ملی همراه با غلیان غرور و افتخار(به دلیل رویارویی متهورانه با یک ابرقدرت صاحب نام)، این احساس غرور در میان نیروهای نظامی و قوای مسلحه ما نمود بیشتری دارد؛
- ایجاد و تقویت اتحاد و همدلی در میان ایرانیان خارج نشین در همسویی با آرمانهای انقلاب و همراهی با مردم و مسوولان؛
- مهارنسبی احتمال تجدید شورش ها و اغتشاشات خیابانی مخالفان(فعلا و تا اطلاع ثانوی احتمال بروز حوادثی از نوع دی ماه، تضعیف شده است)؛
- امکان یابی شناخت بیشتر مردم از ویژگی ها و فضایل ناگفته رهبری شهید؛

- امکان یابی فرصت برای قدرشناسی عمیق از خدمات رهبری در طول سالیان گذشته (که همواره موانعی برای آن وجود داشت؛ و در دوره حضور ایشان معمولاً زبانها از بیان آنها، لکنت داشت یا ضرورتی بدان احساس نمی شد)؛
- ایجاد زمینه مساعدتر برای انتخاب رهبری جایگزین با اکثریت آراء و بیعت گسترده مسئولان و اқشار مختلف مردم با ایشان؛
- آشکار شدن بخشی از واقعیت های پشت صحنه دشمن: مثل ژست ابرقدرتی بلامنازع، حافظ مطلق امنیت منطقه و صحنه گردان اصلی امورات آن، ادعای واهی دفاع از حقوق بشر، ایفای نقش منجی برای رهایی مردم ایران از سلطه جمهوری اسلامی و...؛ متأسفانه امریکا(چه از اسرائیل توقعی جز این نمی رفت) با زیرپانهادن بدیهی ترین اصول اخلاقی جنگ مثل حملات وحشیانه و کوبنده به مراکز آموزشی، درمانی، خدماتی، ورزشی، مسکونی، اداری، تجاری، و...؛ عملاً نشان داد که به هیچ یک از اصول انسانی و پروتوکل های بین المللی پایبندی ندارد؛
- امکان یابی تحمیل هزینه های سنگین به دشمن مثل شکستن هیمنه اسطوره ای امریکا، ایجاد شکاف میان امریکا و متحدان اروپائیش، احتمالاً ایجاد شکاف با متحدان منطقه ای اش، تضعیف جایگاه امریکا در چشم کشورهای وابسته بدان(در منطقه)، شکستن ابهت پوشالی اسرائیل در نگاه اعراب منطقه و آشکار ساختن ضربه پذیری آن، بالابردن قیمت انرژی، افزایش هزینه های کشتی رانی و تردد در آب های آزاد منطقه، براه افتادن راه پیمایی های اعتراضی در کشورهای مختلف اروپایی و در برخی شهرهای امریکا و کانادا، بروزاختلاف میان هیات حاکمه امریکا و اعتراض برخی سناتورهای کنگره به عملکرد رئیس جمهور؛
- آشکار شدن ماهیت واقعی دول عرب و مسلمان منطقه(که البته در طول سالهای دفاع مقدس نیز همواره شاهد آن بودیم)، مثل وابستگی شدید به استکبار جهانی، تامین همه امکانات

- مورد نیاز دشمن برای تعرض ظالمانه به یک کشور اسلامی، حمایت از گروه‌های تجزیه طلب، و بالاتر از همه امکان یابی و تمهید بهانه و فرصت برای تنبیه آنها توسط ایران؛
- نمایش جلوه های بی نظیری از جرات و جسارت مثال زدنی ایران(که برای دیگران درس آموز خواهد بود) مثل بستن تنگه هرمز، زدن ناوهای دشمن، حمله به پایگاههای منطقه ای دشمن، عبور دادن موشک های خود از موانع آهنین اسرائیل، تجربه اندوزی دفاعی و تهاجمی و...؛
 - فعال سازی مجدد و به صحنه کشاندن نیروهای مقاومت همسو مثل انصارالله یمن، حزب الله لبنان و حشد الشعبی عراق؛
 - آموزش برخی عبرت های تاریخی مثل لزوم ارتقای کمی و کیفی قوای نظامی و تسلیحاتی(به دلیل نقش کانونی آنها در معادلات و ساختار قدرت)، تاکید بر استقلال حداکثری کشور در ابعاد مختلف، توسعه امکانات و ظرفیت های داخلی و کاهش حداکثری وابستگی به بیرون؛
 - ارتقای جایگاه ایران در معادلات منطقه ای و جهانی، تقویت اهرم های دیپلماتیک ایران، تقویت موقعیت نظامی و تسلیحاتی ایران در منطقه و بلکه جهان(احتمالا در آینده ایران قادر خواهد بود به یکی از بازارهای فروش جنگ افزار و تسلیحات نظامی پیشرفته تبدیل شود)؛
 - ایجاد تحرک در بدنه مدیریتی کشور و موفقیت نسبی آنها در ارائه خدمات مورد نیاز و برقراری نظم و امنیت داخلی برغم انتظار و درگیر شدن توأمان در عرصه های مختلف؛
 - متأسفانه ایجاد زمینه برای تقویت کدورت ها و دشمنی ها در میان کشورها و دول مسلمان منطقه(توطئه خسارت باری که با برنامه ریزی هوشمندانه اسرائیل و امریکا و خیانت و فریب برخی سران وابسته در جهان عرب برغم خواست ایران به وقوع پیوست و در صورت عدم ترمیم، احتمالاً در تعاملات آتی آنها نتایج سوء خود را نشان خواهد داد.